

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

قسمت سوم - شبهه سوم:

قصه امام زمان به قدری فرقه ای و خرافه آلود است که قبیح و ملال آورگشته، از به دار آویختن ابوبکر و عمر بعد از ظهور گرفته تا حکومت ۴۴۰۰۰ ساله علی بن ابیطالب علیه السلام بعد از وفات امام زمان علیه السلام ما چطور به این عقاید ، معتقد باشیم !!!

بنده در جواب این سخن عرض کنم:

نکته اول : عقیده مهدویت یک عقیده فرقه ای نیست . یعنی لفظ فرقه ای در گفتار فردی که این مطلب را بیان می کند نشان گر این است که ایشان مهدویت را مخصوص تشیع می داند . در حالی که اینطور نیست . دانشمندان اهل سنت تاکنون بیش از ۲۵۰ کتاب در اثبات مهدویت نوشته اند .

یکی از نویسندگان کشور قطر مقاله ای در نقد مهدویت نوشت . **لا مهدی ینتظر بعد رسول الخیر البشر** ، بنده چند سال بعد از اینکه آن مقاله منتشر شد مشرف به حج خانه خدا شدم . بعد از احرام به کتاب فروشی های مکه سری زدم . دیدم نویسندگان سلفی در کشور عربستان در جواب آن شیخ قطری نزدیک به ۱۰ کتاب در اثبات مهدویت نوشته اند که عقیده مهدویت ، عقیده صحیحی و اسلامی است با اینکه آنها سلفی و ضد شیعه هستند .

در صحاح سته که محور دینیات اهل سنت است ، در صحیح بخاری و مسلم روایات مربوط به مهدویت بدون ذکر نام امام مهدی علیه السلام است . در صحیح سنن ابوداود ، ترمذی و ابن ماجه ، اینها نه فقط روایات مهدویت را نقل کرده اند ، بلکه عنوان مهدویت در فصل خودشان دارند . باب ماجاء فی المهدی ، باب فی الرویه فی المهدی در حالی که شما فهرست آن کتاب را باز کنید ، در آن کتاب فصل مهدویت را پیدا می کنید . بنابراین این گونه نیست که عقیده مهدویت یک عقیده فرقه ای باشد ، بلکه عقیده اسلامی است .

حتی می توانیم این بحث را وسیع تر و پهناورتر بنگریم . از لفظ امام مهدی علیه السلام منتقل به منجی شویم . اگر امام مهدی علیه السلام را منجی ببینیم ، اعتقاد به منجی یعنی همانی که در ادیان از آن تعبیر به مسیانسیم می کنند ، برای اسلام نیست ، در همه ادیان وجود دارد .

تبدیل کنیم به مدینه فاضله ، آرمان شهر ، یوتوپینسیم در بسیاری از آثار فلسفی و غیر دینی وجود دارد . بنابراین این عقیده ، عقیده فرقه ای نیست و این تعبیر ، تعبیر قابل دفاعی نخواهد بود .

نکته دوم: این عقیده بر اینکه بعد از ظهور امام مهدی علیه السلام آن حضرت بعضی از دشمنان را به دار می زنند و یا اینکه حضرت علی علیه السلام دوباره زنده می شوند و حکومتی بسیار طولانی در روی زمین برقرار خواهیم کرد. در واقع عقیده به رجعت است. عقیده رجعت مخصوص به شیعه است. برادران اهل سنت ما به مهدویت اعتقاد دارند ولی به رجعت اعتقاد ندارند. ما در اینجا باید عقیده به رجعت را نه فقط برای این ناقد که بیانشان را عرض کردم، بلکه برای دانشمندانی از اهل سنت که آنها نسبت به عقیده مهدویت ما هم جبهه دارند، هم باید اثبات کنم.

مرحوم شیخ حرّعاملی محدّث جلیل القدر شیعه صاحب کتاب بصائر الشیعه، کتاب کم نظیری دارد که در ادبیات رجعت افتخار آمیز است. کتاب الايقاظ من الهجعة بالبرهان علی الرجعة^۱ که به فارسی هم به صورت زیر نویس ترجمه شده است. دانشمندان شیعه هم کتاب در بحث رجعت بیش از ۵۰ اثر در این زمینه تدوین کرده اند. بنده هم چند مقاله در خصوص رجعت به زبان انگلیسی دارم که در محافل غیر ایرانی منتشر شده است.

اثبات گر عقیده رجعت یک نصوص قرآنی تورات، انجیل و همه مذاهب در زنده شدن بعضی از افراد و یا بعضی از اقوام بعد از مرگشان در همین دنیا است و این تناسخ هم نیست. این تناسخ یعنی Transmigration یا Rebirth، زایش دوباره هم نیست.

چون در عقیده تناسخ فرد بدنش را از دست می دهد و روح برای پاداش و جزا به بدن دیگری منتقل می شود. در اینجا روح با بدن خودش یک بار دیگر در این دنیا زنده می شود و این زنده شدن، جایگزین پاداش اخروی نیست. جایگزین جزای اخروی نیست، جزای اخروی در جای خودش وجود دارد. لذا ما شیعیان در عین اعتقاد به رجعت، به معاد هم معتقدیم. در حالی که تناسخیون، اعتقاد به تناسخ را جایگزین اعتقاد به معاد می کنند.

قرآن، تورات و همه ادیان آسمانی اینها به رجعت قوم حضرت حزقیل معتقدند. در این دنیا، هفتاد هزار نفر زنده شدند. نام حضرت حزقیل در قرآن نیامده، اما داستان آن حضرت در سوره بقره آمده است. هفتاد نفر از کسانی که این ها همراه با حضرت موسی به طور رفتند، صاعقه آنها را گرفت و حضرت موسی علیه السلام و آنها مردند و خدا همه آنها را زنده کرد.

بچه های حضرت ایوب در آن امتحان الهی توسط حوادثی که شیطان برای آنها ایجاد کرد کشته شدند و بعد

۱- الايقاظ من الهجعة بالبرهان علی الرجعة اثر شیخ محمد بن حسن حرّعاملی، با ترجمه فارسی آیتالله احمد جنتی، مجموعه‌ای روایی- استدلالی در اثبات «رجعت» و بازگشت امامان شیعه(ع) پس از قیام مهدی موعود(عج) و نقد آرا و نظارت مخالفان است که به زبان عربی و در سال ۱۰۷۹ق نوشته شده است.

از پایان آن امتحان خدا همه آنها را زنده کرد. مقتول بنی اسرائیل کشته شد ، به تفصیلی که گفته شده و مطلع هستید . یک گاوی را کشتند ، قسمتی از گاو را به بدن مقتول زدند ، مقتول زنده شد و ایستاد و قاتل خودش را معرفی کرد . این ها همه نمونه رجعت است .

حضرت عزیر که در تورات عزراء گفته شده است. تفاوت در لهجه است . حضرت عزیر و حضرت ارمیاء علیهما السلام اینها را خدا در همین دنیا صد سال میراند بعد زنده کرد . برای اینکه به آنها و دیگران نشان دهد که **إِنَّ وَعْدَ اللَّهِ حَقٌّ** « آیه ۶۰ سوره روم » و اینکه خدا مرده ها را بعد از مرگشان زنده خواهد کرد . یعنی نمونه ای از معاد را در این دنیا به آنها عرضه کند .

یکی از معجزاتی حضرت عیسی علیه السلام مرده زنده کردن بود . تمامی اینها ، رجعت در همین دنیا است . اصحاب کهف در قرآن هست و در کتابهای قبلی نیست . اصحاب کهف سیصد و اندی سال خوابیدند و یا به تعبیر دیگری مردند **وَكَذَلِكَ أَعْتَرْنَا عَلَيْهِمْ لِيَعْلَمُوا أَنَّ وَعْدَ اللَّهِ حَقٌّ** « آیه ۲۱ سوره کهف » ما افراد را بر داستان اصحاب کهف که از آن بی خبر بودند مطلع کردیم . **ذَلِكَ بِأَنَّ اللَّهَ هُوَ الْحَقُّ وَأَنَّهُ يُحْيِي الْمَوْتَى** « آیه ۶ سوره حج » بنابراین مسأله رجعت در کتابهای آسمانی نمونه های فراوانی دارد .

در قرآن به هدایت روایات اهل بیت علیهم السلام شصت و چند آیه در اثبات رجعت وجود دارد که مرحوم شیخ حرّ در کتاب الايقاظ این آیات را ذکر کرده است . از همه این آیات در بحث رجعت روشن تر ، این آیه است :

آیه ۸۳ سوره نمل :

وَيَوْمَ نَحْشُرُ مِنْ كُلِّ أُمَّةٍ فَوْجًا مِمَّنْ يُكَذِّبُ بِآيَاتِنَا فَهُمْ يُوزَعُونَ

روزی که ما گرد می آوریم (حشر یعنی گرد آوردن) از هر امتی یک عده ای را ، بنابراین همه امت را نه ، بلکه قلیلی از هر امتی را محشور می کنیم . این آیه مربوط به قیامت نیست . چون حشر اخروی ، حشر عام است . همه انسانها ، همه جن ها در آن محشور می شوند . بنابراین این مربوط به قیامت نیست و مربوط به صحنه ای غیر از قیامت می شود که بعضی از مرده ها در آن صحنه زنده می شوند .

بنابراین ، این آیه جزو آیاتی است که در مورد رجعت می توان آن را بکار برد . عقیده رجعت ، عقیده ای قرآنی است ، که نه خرافی و نه ملال آور است . ما باید به مدارک و اسنادش مراجعه کنیم تا بتوانیم این عقیده را همراه با براهین نقلی آن برای افراد تعبیر کنیم .

از نظر عقلی هم اگر ما معتقد باشیم

۱- به اینکه خدا بر هر چیزی تواناست .

۲- خلقت نخستین انسان ، اثبات گر خلقت دوباره انسان در همین عالم است .

۳- آفرینش های برتر خدا ، مانند خلقت کهکشانها ، اینها نشانگر این مسأله است که زنده شدن انسان ها در این عالم ، مخالفت و مزاحمتی با عقل انسان و انسان عقل گرای امروز نخواهد داشت .

التماس دعای فرج